



راهبردهای رویارویی
با مشکلات کودکان
ونوجوانان

کلیدواژه‌ها: مسئولیت‌پذیری، استقلال، مسئولیت.

مقدمه

آموزش مسئولیت، برجسته ترین هدیه‌ای است که می‌توانیم به فرزندانمان ارزانی داریم. چنین آموزشی آنان را قادر می‌سازد که از خویشتن مراقبت کنند و در آینده به عنوان بزرگ‌سالانی مسئول، وظایف خویش را بر عهده گیرند.

کودکان، انعطاف پذیرند. آنان برای تن در دادن به آن‌چه ما والدین و مربیان، با حسن نیت در حقشان انجام می‌دهیم، ناچارند چنین باشند، این نهال‌های نورسته همان‌گونه باز می‌آیند که ما می‌پروریم. مشکل این است که ما برای ارزیابی حاصل تلاش‌هایمان ناگزیریم سال‌های زیادی تا بزرگ شدن آنان، در انتظار بمانیم. باید به خویشتن و فرزندانمان ایمان داشته باشیم و با کاربرد روش‌هایی که مؤثر بودنشان ثابت شده است، با خاطری آسوده‌تر این دوران را سپری کیم.

چگونه فرزندانی مستقل پرورش دهیم؟

مریم صیاد شیرازی
کارشناس ارشد روان‌شناسی



منظور از تصمیم‌گیری مناسب، این است که کودک در چارچوب هنجرهای اجتماعی و انتظاراتی که معمولاً از او می‌رود، به انتخابی دست بزنده سبب ایجاد روابط انسانی مثبت، افزایش اینمنی، موفقیت و آسایش خاطروی شود

از آنان نتیجه‌گیری خواست.

۲. نمایش رفتارش به او

گاهی پیش می‌آید که کودک در خواستنی دارد و برای آن داد و فریاد می‌کند. در آرامش و زمان مناسب می‌توان رفتار او را با نوعی تقلید به انشان داد و آن وقت است که او شرمنده خواهد شد.

۳. طرح سؤال

گاهی اوقات طرح سؤالی مناسب برای متوجه کردن او به وظیفه‌اش مناسب است. مثلاً وقتی از خریدن نان تمرد می‌کند، می‌توان سؤال کرد که این کار در خانه به عهده‌ی چه کسی است؟

۴. دعوت به مسابقه

گاهی اوقات می‌توان کودک را به مسابقه دعوت کرد: بچه‌ها، تا ۵ دقیقه وقت دارید اسباب‌بازی‌های را جمع کنید. هر کسی اسباب‌بازی‌های بیشتری جمع کرده باشد، برنده است.

۵. تذکر در قالب شوخی

گاهی نیز روال وظیفه‌اش را در قالب شوخی به او تذکر دهد.

ضرورت مقررات

هدف از ایجاد انضباط و مقررات، ایجاد فردی مطیع و سربه‌راهی نیست که چون غلام حلقه به گوش هر دستوری را بدون چون و چرا جرا کند بلکه غرض آن است که ضوابط و قواعدی حاکم بر اندیشه و تمایلات او باشد که در پرتو آن‌ها بتواند از زندگی و مزایای آن به نحوی شایسته بفرماید. در واقع، اصل مهم، آشنازی کودک با وظایفش است.

این اطاعت تازمان خاصی لازم است و پس از رسیدن به بلوغ عقلی، والدین دیگر نقش فرمانده را ندارند و در آن هنگام به عنوان مشاور عمل می‌کنند. کودک باید تا این سن یاد گرفته باشد که خودش تصمیم بگیرد؛ آن هم تصمیم صحیح، چرا که اگر همه جانیاز به حضور و امر و نهی ما داشته باشد، و وظایف خود را از ما دستور بگیرد، فردی وابسته بار خواهد آمد و در سنینی که به استقلال نیاز دارد، نمی‌تواند به طور مستقل عمل کند و او همواره چشمش به دهان بزرگ‌ترهاست. پس باید با راهنمایی کودک او را در رسیدن به این توانایی کمک کنیم و با در اختیار گذاردن اصول و قوانین، راه را بر او هموار نماییم. البته این مقررات نباید مانع آن باشد که کودک از تجربیات شخصی خود استفاده کند.

روش‌های آموزش مسئولیت

۱. طرح قصه

گاهی اوقات می‌توان با طرح قصه و نمایش، کودک را با وظایفش آشنا کرد. کودکان اغلب دوست دارند تصویرهایی در مورد خود بشنوند و خود قهرمان اول قصه باشند. می‌توان در جریان قصه رفتارهای درست و غلط آن‌ها را به ایشان نشان داد و

تعريف مسئولیت

مسئولیت چیست؟ واژه‌ی مسئولیت از لحاظ لغوی به معنای توانایی پاسخ دادن، و در عرف عام به مفهوم تصمیم‌گیری‌های مناسب و مؤثر است. منظور از تصمیم‌گیری مناسب، این است که کودک در چارچوب هنجرهای اجتماعی و انتظاراتی که معمولاً از او می‌رود، به انتخابی دست بزنده که ایجاد روابط انسانی مثبت، افزایش اینمنی، موفقیت و آسایش خاطر وی شود.

پاسخ مؤثر پاسخی است که کودک را قادر سازد به هدف‌هایی که باعث تقویت عزت‌نفسش می‌شوند، دست یابد؛ مثلاً هنگامی که کودکی می‌خواهد به ملاقات دوستش ببرود، باید از حیث اجازه‌ی والدینش مطمئن شود. اگر او بدون مباحثه و به نحوی صادقانه از آنان خواهش کند، بسیار احتمال دارد که پاسخی مثبت دریافت کند. همه‌ی والدین زمانی که با آداب‌دانی کودک مواجه می‌شوند، به خواسته‌هایش پاسخ مثبت می‌دهند.

علاوه بر این، لازم است کودکان از نیازها و هدف‌های خویش آگاه باشند. کودک زمانی فردی مسئول به شمار می‌آید که با در نظر گرفتن هدف‌های خویش و نیازهای سایرین عمل کند.

تکامل مسئولیت

مسئولیت ارشی نیست و باید از طریق تجربه آموخته شود. حس مسئولیت هنگامی در کودک به وجود می‌آید که:

- به او مسئولیت داده شود.
- در مورد اثربخشی پاسخ‌های خویش، بازخورد دریافت کند.
- در مورد راههای گوناگونی که در سایر موقعیت‌ها مناسب‌اند، اطلاعاتی داشته باشد.

کمشکش با فرزندان خویش پرهیز می‌کنند و برایشان آسان‌تر است که همه‌ی مسئولیت‌ها را خود برعهده گیرند.

چه زمانی می‌توان گفت که کودکان مسئول بار آمده‌اند.

کودک هنگامی فردی مسئول محسوب می‌شود که

- ظایف مقرر خویش را بی آن که نیازی به یادآوری داشته باشد، انجام دهد.

- برای هر کاری که انجام می‌دهد، بتواند دلایلی را معین کند.

- سایرین را در حد افراط مقصراً قلمداد نکند.

- بتواند از بین راه‌های مختلف، راهی را برگزیند.

- بدون احساس ناراحتی زیاد، بتواند به تنها‌ی کاری را انجام دهد یا بازی کند.

- بتواند تصمیماتی بگیرد که با تضمیمات سایر افراد گروهش متفاوت باشد.

- هدف‌ها و علایق گوناگونی داشته باشد که برای وی جالب توجه باشند.

- بدون جر و بحث زیاد به محدودیت‌هایی که والدین برایش قائل می‌شوند، احترام بگذارد و آن‌ها را رعایت کند.

- بتواند بی‌آنکه چندان احساس سرخوردگی کند، مدتی توجه خویش را روی وظایف پیچیده متتمرکز سازد.

- آن‌چه را که قول انجامش را می‌دهد، به پایان برساند.

- بدون دلیل تراشی افراطی به اشتباهات خویش اعتراف کند.

منابع

۱. پورنقشبند، زهرا؛ اطاعت و حرف شنوی در کودک، انتشارات علامه طباطبائی، ۱۳۷۳.

۲. آس. نیل، کودکانی آزاد و مستقل تربیت کنیم، مترجم: عبدالرضا صرافان، انتشارات دستان.

۳. هریس کلمز - رینولوپین؛ آموزش مسئولیت به کودکان، مترجم: پروین علی‌پور، انتشارات آستان قدس رضوی.

موانع موجود در آموزش مسئولیت‌پذیری کودکان

۱. احساس گناه والدین

احساس گناه زمانی بوجود می‌آید که معتقد‌می‌شویم آن‌چه را که انجام می‌دهیم، و نحوه انجام دادن آن، به سطح انتظاراتی که از خویش داریم، نمی‌رسد. برای کاهش دادن احساس گناه، باید انتظارات خود را تا سطح معقولی پایین بیاوریم یا عملکرد خویش را ببود بخشیم، یا هر دو را به‌طور همزمان انجام دهیم.

۲. دشوار بودن تنبیه برای والدین

برای والدینی که به زحمت می‌توانند کودکان خویش را تنبیه کنند، آموزش مسئولیت‌پذیری دشوار است؛ زیرا آن‌ها فاقد توان اعمال زور برای مسئولیت دادن به فرزندان خود هستند.

۳. کودکی والدین بر رفتارشان تأثیر می‌گذارد.

بسیاری از والدین در زمان کودکی خود، دشواری‌هایی را به علت بی‌عاطفگی و بدزبانی والدین خویش تجربه کرده‌اند؛ از این‌رو، هنگامی که می‌کوشند از روش ناملووب والدین خود پرهیز و برعکس آنان عمل کنند، از افراط به تغیریت می‌گرایند.

۴. برایم راحت‌تر است که خودم انجامش دهم!

هنگامی که والدین احساس می‌کنند «برایم آسان‌تر است خودم انجام دهم»، کودکان متضرر می‌شوند؛ زیرا فرصت یادگیری آن‌چه را که موجب تکامل کفایتشان می‌شود، از دست می‌دهند و دیگر مسئول انجام دادن وظیفه‌ای که از آن‌ها انتظار می‌رود، نیستند.

یکی از انگیزه‌های مهم در «خودم انجامش می‌دهم»، تمایل به پرهیز از کشمکش است. بسیاری از والدین از

هنگامی که والدین احساس می‌کنند «برایم آسان‌تر است خودم انجام دهم»، کودکان متضرر می‌شوند؛ زیرا فرصت یادگیری آن‌چه را که موجب تکامل کفایتشان می‌شود، از دست می‌دهند

۶. استفاده از یادداشت

گاهی با زدن یک یادداشت روی آینه یا در حمام می‌توان وظیفه‌ی او را تذکر داد. «لطفاً در را پس از استفاده ببنديد، مشتکرم.»، «لطفاً روی من خط نکشيد.»

۷. دادن انگیزه

دادن انگیزه بهترین و مؤثرترین روش است. می‌توان تنبیلی را، که علت اصلی سرپیچی کودکان از اواخر ماست، به آقای تنبیلی تشبیه کرد که درون ماست و اجازه نمی‌دهد کار کنیم. سپس با دادن انگیزه برای مبارزه با آن آقا تنبیل، کودک را تنشیق به انجام دادن امور مربوط به خودش کنیم؛ «بچه‌ها، آقا تنبیلی رو بزنین زمین و رختخوابتن را جمع کنید.»

۸. تهییه فهرست

آخرین راه پیشنهادی، تهییه فهرستی از عیوب برای مبارزه با آن‌هاست. به این ترتیب که پس از مشورت با کودکان خود، هفتاهی را به هفتاهی مبارزه با یک عیوب (مثلًا ناسرزآگویی) نام‌گذاری می‌کنیم. در این هفته افراد سعی می‌کنند از حرفهای زشت خودداری کنند. در آخر هفته می‌توانیم در صورت موفقیت در اصلاح این عیوب، جشن بگیریم.

نکته‌ی مهم این است که کودک یاد بگیرید بدون هیچ‌گونه فشار و اجباری خود را موظف به رعایت قوانین و مقررات کند.